

هویت‌شناسی چهار «مسعدة» در آرای رجالیان

۱ خدیجه مهدیان مهر

۲ مهدی اکبرنژاد

۳ زهرا رحمتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۲

چکیده

اشتراک دو یا چند راوی در عنوان از جمله مواعنی است که اعتبارسنجی روایات را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. یکی از این موارد، اشتراک، چهار مسعدة با عناوین «مسعدة بن صدقه»، «مسعدة بن یسع»، «مسعدة بن زیاد» و «مسعدة بن فرج» است. رجالیان هم در وثاقت و هم در مذهب این چهار نفر دچار اختلاف نظر شده‌اند. در این مقاله، پس از ذکر شرح حال مسعدة در منابع رجالی فریقین، فرضیه‌های مختلف مبنی بر اتحاد و یا تعدد مسعدة‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و سپس به بررسی ادله وثاقت و تضعیف مسعدة در منابع امامیه پرداخته شد. با توجه به ادله مذکور، از جمله اسناد الکافی، یکسان بودن محتوای روایات، انتساب قبیله‌ای و مشترک بودن کنیه، اگر نتوان اتحاد تمام مسعدة‌ها را ثابت کرد، اما به نظر می‌رسد حداقل مسعدة بن صدقه و مسعدة بن یسع یکی باشد که امامی بوده و دارای وثاقت است. با توجه به ذکر نام مسعدة بن زیاد در منابع زیدی و محتوای روایات او دال بر زیدی بودنش و این‌که بین رجالیان در مذهب و وثاقت مسعدة‌ها اختلاف است، گمان می‌رود این اختلاف را بتوان در تمییز بین مسعدة بن صدقه و مسعدة بن زیاد توجیه کرد.

کلیدواژه‌ها: مسعدة بن صدقه، مسعدة بن یسع، مسعدة بن زیاد، مسعدة بن فرج، راویان مشترک، توحید مختلفات، تمیز مشترکات.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام (kh.mahdianmehr@gmail.com) (نویسنده مسئول).

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام (m.akbarnezhaad@yahoo.com).

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام (zaharahmati367@gmail.com).

مقدمه

یکی از موضوعات مورد بحث در اعتبارسنجی اسناد روایات - که از دیرباز موجب بروز مشکلاتی در استناد به متون روایی شده - تکرار عناوینی است که مشترک بین دو یا چند راوی است که تحت عنوان «تمییز مشترکات» در علم رجال مطرح می‌شود. این اشتراکات، ارزیابی شخصیت رجالی راویان را دشوار می‌کند؛ به طوری که گاه نمی‌توان به نظر واحدی رسید. یکی از دلایل ایجاد اشتراک نام راویان، تکیه نویسنده بر سند قبل و حذف لقب، کنیه و یا نسب از راویان به منظور اختصار است که با انتقال این حدیث به منابع دیگر، قراین از دست رفته و مشکل اشتراک پیش می‌آید.

این بحث در علم رجال از آن جهت مهم است که عدم شناسایی دقیق روایان مشترک، به ویژه اگر در میزان وثاقت با یکدیگر متفاوت باشند، سبب خطا در ارزیابی سندی روایات می‌شود و در صورت عدم دستیابی به تمییز آنان، گاه محدثان حدیث را تضعیف کرده و کنار می‌گذارند.^۱

یکی از این موارد، اشتراک چهار مسعدة با عنوان «مسعدة بن صدقه»، «مسعدة بن یسع»، «مسعدة بن زیاد» و «مسعدة بن فرج» است. البته راویان دیگری با عنوان مسعدة در کتب رجال یافت شد، اما به دلیل برخی تشابهات و نیز نحوه گزارش رجالیان از مسعدة که به تفصیل بیان می‌شود، اختلاف نظر در اتحاد یا تعدد بر سر این چهار نفر، موضوع این پژوهش است. با توجه به این که روایات مسعدة به وفور در منابع حدیثی به ویژه در بیان سیره و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد، بر اهمیت تبیین شخصیت او می‌افزاید. این مقاله در پی آن است که ضمن تبیین و تحلیل این چهار عنوان در منابع رجالی امامیه و اهل سنت به ارزیابی وثاقت او نیز پردازد. با جستجو در مقالات و پایان نامه‌ها هیچ پژوهش مستقلی درباره مسعدة صورت نگرفته است. با این حال، در تعلیقات و تقریرات درس خارج برخی مراجع و علما همچون آیه الله شبیری، آیه الله مروی، آیه الله مددی و آیه الله شب زنده دار تحلیل‌ها و کاوش‌هایی ارزشمند و قابل تأملی گزارش شده است که در واکاوی فرضیه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱. شرح حال و شخصیت رجالی

اصلی‌ترین منابع در شناسایی راویان، کتاب‌های رجالی است که متخصصین این امر با

۱. خلاصة الاقوال، ج ۳، ص ۴۹۱.

دسته بندی راویان و ثبت اطلاعات رجالی آنان، شناخت راوی و اعتبارسنجی او را تسهیل می‌کند. از این رو، برای یافتن شرح حال مسعدة و اطلاع از شخصیت رجالی او، کتب رجالی فریقین به تفکیک مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱-۱. منابع امامیه

کشی مسعدة را با عنوان مسعدة بن صدقه آورده و با ذکر نام او همراه سران بتربه، او را بتربه مذهب می‌خواند.^۱

برقی بر اساس رویکرد خود مبتنی بر ارائه طبقه بندی راویان در کتاب رجالش، مسعدة را به ترتیب تحت چهار عنوان مسعدة بن فرج، مسعدة بن صدقه، مسعدة بن زیاد، مسعدة بن یسع در شمار راویان امام صادق علیه السلام آورده اما اطلاعاتی از وثاقت و یا مذهب وی ذکر نمی‌کند.^۲

طوسی در الرجال در یک جا نام نه نفر را با عنوان مشترک مسعدة در شمار راویان امام صادق علیه السلام ذکر می‌کند که چهار مسعدة مورد نظر ما نیز در بین آنهاست و در جای دیگر، دو نفر را با عنوان مسعدة بن صدقه و مسعدة بن زیاد از اصحاب امام باقر علیه السلام نقل می‌کند؛ با این تفاوت که مسعدة بن صدقه را عامی برمی‌شمرد.^۳ از آن جا که هدف طوسی در نگارش الرجال، همان گونه که در مقدمه خود آورده، شناسایی راویان ائمه علیهم السلام است، کمتر وارد به وادی جرح و تعدیل راویان می‌شود.^۴

طوسی در الفهرست بابی را تحت عنوان مسعدة می‌آورد و به همان ترتیب برقی، چهار مسعدة را نام برده و همه را مؤلف کتاب می‌داند، اما گزارشی از مذهب او بیان نکرده است.^۵ عدم ذکر اطلاعات رجالی کافی درباره مسعدة و یا سایر راویان در کتب رجالی طوسی می‌تواند به دلیل نوعی مصلحت‌اندیشی متأثر از شرایط سیاسی مذهبی عصر او باشد و یا این که اطلاعات بیشتری در دست نداشته و به دلیل مشغله علمی در موضوعات مختلف فرصت دسترسی و تکمیل اطلاعات فراتر را نیافته است.^۶

۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. رجال البرقی، ص ۳۸.

۳. رجال الطوسی، ص ۱۴۶ و ۳۰۶.

۴. همان، ص ۱۷.

۵. فهرست الطوسی، ص ۴۶۶.

۶. «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، ص ۱۳۸.

نجاشی در باب المیم کتابش، مانند الفهرست بخشی را به راویان «مسعدة» نام اختصاص داده است. از این رو، چینش نجاشی را می‌توان برگرفته از شیخ طوسی دانست که به ترجمه چهار مؤلف می‌پردازد؛ با این تفاوت که اطلاعات کامل‌تری نسبت به طوسی ارائه می‌دهد.

اول، مسعدة بن صدقه العبدي که کنیه معروف او ابامحمد است، اما ابابشر نیز برای او گفته شده است. از راویان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و دارای کتبی است که از میان آن‌ها از کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام نام می‌برد.

دوم، مسعدة بن زیاد الربعی ثقة، عین، از راویان امام صادق علیه السلام و دارای کتاب فی الحلال والحرام.

سوم، مسعدة بن یسع که تنها به ذکر این که او دارای کتبی است اکتفا می‌کند. چهارم، مسعدة بن الفرّج الربعی که دارای کتابی است.^۱ از این رو، گمان می‌رود نجاشی قایل به تمیز این چهار نفر است.

ابن داود، مسعدة را هم با نام مسعدة بن صدقه العبدي و هم ربعی آورده و او را بتری و در شمار ضعفا قرار می‌دهد.^۲ مامقانی نیز مسعدة را بتری معرفی می‌کند.^۳

محتوای گزارش و تذبذب آرا در معرفی مسعدة باعث شده برخی از بزرگان این احتمال را مطرح کنند که دو نفر به نام مسعدة بن صدقه داریم که یکی از آن دو از اصحاب امام باقر علیه السلام و از اهل سنت است و دیگری از اصحاب امام صادق علیه السلام و از بتریه است.^۴

مجلسی اول در این باره معتقد است آن چه از روایات او در کتاب‌ها ظاهر می‌شود، آن است که او ثقة است؛ زیرا همه احادیثی که روایت کرده در غایت متانت و موافق با روایات اصحاب ثقة مان است و به همین جهت طایفه شیعه به روایات او و امثالش از عامه، عمل کرده‌اند، بلکه اگر تتبع کنی در می‌یابی که روایات او متقن‌تر و متین‌تر از روایات اصحاب اجماع است.^۵

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مجلسی اول، به قول شیخ طوسی اعتماد کرده و مسعدة

۱. رجال النجاشی، ص ۴۱۵.

۲. الرجال ابن داود، ص ۱۸۸.

۳. تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱۳، ص ۳۴۱.

۴. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۵۶.

۵. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۲۶۶.

بن صدقه را عامی نامیده و در عین حال او را ثقه و مورد اعتماد دانسته است. خوبی قایل به تعدد است:

آن مسعدة بن صدقه که عامی است؛ از اصحاب امام باقر علیه السلام است و مسعدة بن صدقه - که از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده - ثقه است که هارون بن مسلم از او نقل می‌کند.^۱

۲-۱. منابع اهل سنت

در منابع اهل سنت روایانی با عناوین مسعدة بن صدقه و مسعدة بن زیاد شناخته شده نیست. تنها دو روایت از مسعدة بن صدقه آمده است و جز نقلی منسوب به دارقطنی از سوی متأخرین - که او را متروک خوانده^۲ - هیچ اشاره‌ای به شخصیت رجالی او نمی‌شود.^۳ با این حال، مسعدة بن یسع باهلی در منابع اهل سنت تضعیف شده است. او را «ذاهب الحدیث» و «منکر الحدیث» خوانده‌اند و متهم به دروغ بستن بر امام صادق علیه السلام است.^۴ همچنین روایان هم عصر مسعدة از نقل حدیث از او اجتناب می‌کرده‌اند تا جایی که احمد بن حنبل کتاب‌های او را به آتش کشیده است.^۵

۲. تحلیل فرضیه‌های محتمل درباره مسعدة‌ها

همان‌طور که در شرح حال مسعدة ذکر شد، رجالیان امامیه دیدگاه‌های مختلف و گاه متضادی درباره او و مذهبش دارند. برای این‌که بهتر بتوان درباره این اختلاف آرا اظهار نظر کرد، ابتدا مهم‌ترین فرضیه‌های محتمل مورد مذاقه قرار می‌گیرد و سپس به بررسی وثاقت او خواهیم پرداخت.

۱-۲. اتحاد مسعدة بن صدقه با مسعدة بن الیسع

برای اثبات این مطلب، به سه دلیل می‌توان استناد کرد.

۱-۱-۲. عنوان «مسعدة بن صدقه ابن الیسع» در کتاب الکافی

در سند روایتی در کتاب الکافی آمده است:

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۵۱.

۲. در کتاب دارقطنی چنین نظری از جانب او مطرح نشده است.

۳. موسوعة أقوال أبي الحسن الدارقطني في رجال الحدیث و عله، ج ۲، ص ۶۴۵.

۴. الجرح و التعديل، ج ۸، ص ۳۷۱.

۵. الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۶، ص ۳۹۰.

علی بن ابراهیم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة ابن یسع، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال امیر المؤمنین علیه السلام: لا تدمنوا اكل السمک، فانه یذیب الجسد.^۱

در این روایت، مسعدة با عنوان «مسعدة بن صدقة بن یسع» آمده است. از این عنوان چنین برداشت می‌شود که نام پدر مسعدة، «صدقه» و نام جدش، «یسع» بوده است. بر این اساس می‌توان گفت این دو مسعدة در واقع یک نفرند که گاه به پدرش و گاه به جدش نسبت داده شده است.

البته در برخی از نسخ الکافی، مانند دارالکتب الاسلامیه این سند این گونه آمده است:

علی بن ابراهیم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة عن ابن یسع عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال امیر المؤمنین علیه السلام...^۲

در این سند، «مسعدة بن صدقه» از «ابن یسع» نقل می‌کند. احتمال دارد مقصود از «ابن یسع» در این سند، «مسعدة بن یسع» باشد. نتیجه این می‌شود که «مسعدة بن صدقه» و «مسعدة بن یسع» دو فرد هستند که در این جا «ابن صدقه» از «ابن یسع» نقل کرده است و علی القاعده معاصر همدیگر بوده‌اند و هر دو از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام هستند که «هارون بن مسلم» از آنان روایت می‌کند.

خوبی معتقد است حتی اگر بپذیریم که نسخه کتاب الکافی صحیح باشد، اما این نکته باعث اتحاد این دو عنوان نمی‌شود؛ زیرا طبق این نسخ (یعنی نسخه‌ای که در آن «مسعدة بن صدقه بن یسع» آمده است) ثابت می‌شود که مسعدة‌ای که پدرش «صدقه» بوده، جدا و «یسع» بوده است؛ اما این احتمال هست مسعدة‌ای که پدرش «صدقه» است، عمویی به نام «مسعدة» داشته؛ یعنی «صدقه» دارای برادری به نام «مسعدة» بوده است. بنابراین، در اسنادی که گفته می‌شود: «مسعدة بن یسع»، مقصود، عموی «مسعدة بن صدقه» است و وقتی «مسعدة بن صدقه» گفته می‌شود، مقصود، پسر برادر «مسعدة بن یسع» است.^۳ شبیری زنجانی ضمن پذیرش اتحاد مسعدة بن صدقه با مسعدة بن یسع در پاسخ به این نظر خوبی دو نکته را بیان می‌کند؛ اول، این که احتمال وجود دو راوی در میان اصحاب امام صادق علیه السلام - که با وجود غرابت بر هر دوی آنان مسعدة بن یسع اطلاق شود - بسیار بعید به نظر می‌رسد.

۱. الکافی، ج ۱۲، ص ۴۶۳.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۲۳.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۵۵.

دوم، این‌که سخن خوبی تنها می‌تواند درباره این سند در الکافی صدق کند. این در حالی است که همین روایت در المحاسن با عنوان مسعدة بن یسع ذکر شده است. وی در ادامه، با استناد به عدم ذکر نظر خوبی در کتب رجالی فریقین و همچنین اختصار سند در انتقال توسط ناسخان به رد نظر خوبی و تأکید بر اتحاد این دو مسعدة می‌پردازد.^۱ وجود این سند در الکافی و تکرار محتوای روایت با عنوان مسعدة بن یسع و همچنین استدلال شبیری زنجانی احتمال درستی این دیدگاه مبنی بر اتحاد مسعدة بن یسع و مسعدة بن صدقه را تقویت می‌کند.

۲-۱-۲. استفاده از کنیه مشترک

در روایتی در الکافی، امام باقر علیه السلام، «مسعدة بن یسع» را با کنیه «یا ابا بشر»، خطاب فرموده‌اند^۲ و از طرف دیگر، نجاشی در معرفی «مسعدة بن صدقه» می‌فرماید:

یکنی ابا محمد، قاله ابن فضال و قیل یکنی ابا بشر.^۳

این احتمال تشابه کنیه می‌تواند قرینه‌ای در جهت اثبات اتحاد مسعدة بن صدقه و مسعدة بن یسع باشد، اما به تنهایی دلیل قاطعی نیست؛ زیرا منافاتی بین این‌که هم کنیه «مسعدة بن یسع» و هم کنیه «مسعدة بن صدقه»، «ابوبشر» باشد، وجود ندارد.

۲-۱-۳. یکسان بودن محتوای روایات

این نظریه آیه الله بروجردی نسبت داده شده است.^۴ بر این اساس، با مطالعه روایات منقول از مسعدة بن صدقه و مسعدة بن یسع، شباهت محتوای روایات - که عموماً با موضوع اطعمه است - مشهود است. نکته قابل توجه این است که این روایات مشابه گاه از مسعدة بن صدقه و گاهی نیز از مسعدة بن یسع گزارش شده است. بدین ترتیب، احتمال اتحاد این دو مسعدة را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری از دیدگاه اول

اگر چه به طور قطعی نمی‌توان گفت که مسعدة بن صدقه و مسعدة بن یسع، یک نفرند، اما قراین و ادله ذکر شده در اتحاد این دو قوی‌تر از تعدد آنهاست.

۱. «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان»، ص ۱۹۸ - ۲۰۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۵۲.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۹.

۴. «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان»، ج ۱، ص ۱۰۱.

۲-۲. توحید تمام مسعده‌ها

دیدگاه دیگر این است که تمام مسعده‌ها در واقع یک نفرند که هر بار با کنیه و یا انتساب متفاوتی آمده‌اند. در اثبات این دیدگاه دو دلیل اصلی وجود دارد.

۲-۲-۱. شباهت در انساب

دلیل اول، شباهت در انساب مسعده‌هاست. همان‌طور که در شرح حال مسعده گذشت، مسعده به قبایل مختلفی منسوب شده است: «عبدی»، «رَبَعی»، «عبیسی» و «باهلی». با مراجعه به کتب انساب مشخص شد، «عبدی»، منسوب به عبدالقیس از تیره ربیع بن نزار است که گاه «عبسی» هم خوانده شده است.^۱ «رَبَعی»، نیز منسوب به ربیع النزار، قبیله‌ای با شعب فراوان در بصره، که به دلیل همین گستردگی از انتساب افراد به آن خودداری می‌شده است.^۲ «باهلی» نیز منتسب به باهله، که عرب از انتساب خود به این قبیله به دلیل این‌که افراد بزرگ و سرشناسی در آن زندگی نمی‌کرده، استنکاف داشته است.^۳ با این تعاریف، گمان می‌رود، مسعده به دلیل گستردگی شعب قبیله‌اش هر بار به یکی منسوب شده است^۴ و انتساب مسعده به این عناوین، تضادی با یکدیگر ندارد. از طرفی، همان‌طور که در یکی از اسناد الکافی گفته شده، احتمال جا به جایی و یا اشتباه مستسخین در ثبت کنیه‌ها و انساب راویان وجود دارد.

۲-۲-۲. الگوی سندی مشابه

دومین دلیلی که در فرضیه اتحاد مسعده‌ها می‌توان به آن تمسک کرد، مشابهت در الگوی سندی آن‌هاست؛ به این صورت که منقولات مسعده‌ها به صادقین علیهم‌السلام رسانده شده و در جز موارد اندک، «هارون بن مسلم» از مسعده‌ها نقل می‌کند.^۵ این حد از مشابهت در سبک روایی برای مسعده‌ها نمی‌تواند اتفاقی باشد. از طرفی، این الگوی سندی به وفور تکرار شده است. احتمال این‌که این شباهت در سبک روایی و تکرار زیاد آن به چهار مسعده متفاوت

۱. الانساب، ج ۴، ص ۱۳۵؛ اللباب فی تهذیب الأنساب، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲. الانساب، ج ۳، ص ۴۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۷۵.

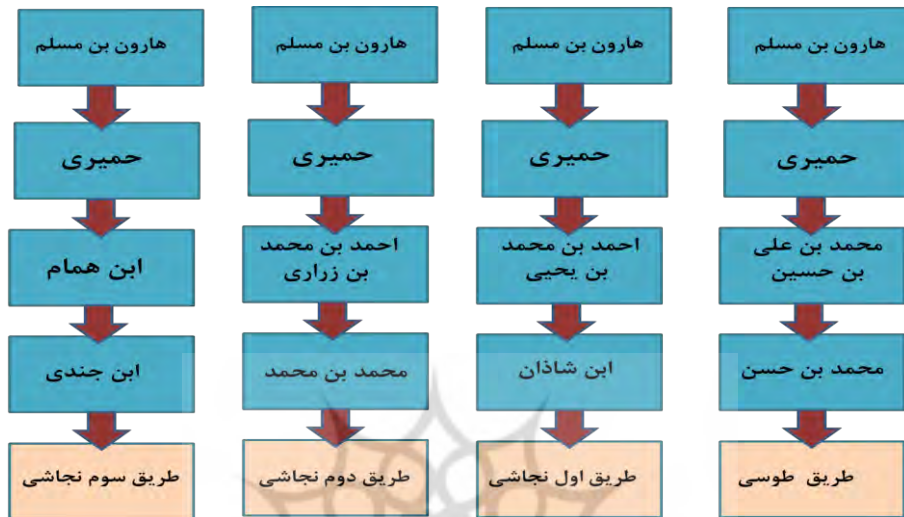
۴. «تأثیر زیدیه بر حدیث امامیه»، ص ۱۱۵.

۵. برای مثال، رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۷؛ ج ۱، ص ۴۴۰؛ ج ۲، ص ۱۲۲؛ ج ۴، ص ۱۱۳؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۲۱، ۲۳۶ و ۳۴۷؛ الکافی، ج ۲، ص ۸۷۷؛ ج ۴، ص ۵۶؛ رجال البرقی، ص ۳۴ و ۴۰؛ الاستبصار فیما اختلف من

الاحبار، ج ۳، ص ۲۶۰؛ ج ۴، ص ۲۹۹ و ...

برگردد، بعید به نظر می‌رسد.

۲-۳. طرق کتاب مسعده در گزارش نجاشی و طوسی



با توجه به داده‌های نموداری از طرق کتاب رجال النجاشی و الفهرست طوسی، راوی اول در همه طرق هارون بن مسلم است. سپس حمیری از چند طریق گزارش کتاب‌های مسعده را به طبقات بعد از خود انتقال می‌دهد. بنابراین، در مسیر انتقال کتاب‌های مسعده تشابهات قابل تأملی وجود دارد که در کنار مشابهت در سبک روایی و الگوی سندی می‌تواند قرینه خوبی در اثبات اتحاد مسعده‌ها باشد.

۲-۳. تعدد مسعده‌ها

بهترین دلیلی که در این باره می‌توان بیان کرد، اظهار نظر قدمای رجال مانند برقی، طوسی و نجاشی است. نجاشی هر یک از مسعده‌ها را به طور جداگانه و با توضیحاتی خاص ذکر کرده است؛^۱ یعنی نجاشی شهادت می‌دهد که این چهار عنوان برای چهار نفر است و در مقابل این شهادت نجاشی - که از قدمای علو رجال است - نمی‌توان گفت که نجاشی اشتباه کرده است و این چهار نفر در اصل یکی‌اند. از طرفی، تعدد عنوان مسعده در سایر کتب رجالی متقدم، همچون رجال برقی و طوسی، احتمال تعدد مسعده‌ها را تقویت می‌کند. با توجه به این قراین، احتمال یکسان بودن همه مسعده‌ها تضعیف می‌شود.

۲-۴. عامی شمردن مسعده از سوی طوسی

در بین رجال متقدم، تنها شیخ طوسی است که یک بار مسعده را امامی و یک بار عامی خوانده است. دلایلی وجود دارد که نظر شیخ طوسی دال بر عامی بودن مسعده را تضعیف می‌کند. درصد قابل توجهی از محتوای روایات مسعده‌ها را سخنان و سیره امیرالمؤمنین علیه السلام تشکیل می‌دهد. همچنین او کتابی با نام «خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام» دارد. از طرفی تضعیف و تکذیب شدید اهل سنت، به ویژه احمد حنبل، شواهدی است که امامی بودن مسعده را تقویت می‌کند. از طرفی، گمان می‌رود که عامی شمردن مسعده به بتری شمردن او توسط کشی برگردد. بتری شاخه‌ای از فرقه زیدیه است که عقاید آنان در پذیرفتن خلافت خلیفه اول و دوم^۱ و عمل به احکام براساس مذهب شافعی^۲ آنان را به اهل سنت نزدیک کرده است. از این رو، ممکن است رجالیان امامی گاه راویان بتری را در شمار عامه محسوب کرده باشند. انتساب راویان بتری مذهب به عامه تنها به مسعده محدود نمی‌شود. گواه دیگر بر این احتمال، «حکم بن عتیه» است که در برخی منابع رجالی به عنوان یک بتری ثبت شده است،^۳ اما کشی به نقل از ابن فضال، او را از فقهای اهل سنت می‌داند.^۴

۲-۵. بتری شمردن مسعده

بتری دانستن مسعده در کنار اعلام مذاهبی چون امامیه یا عامه برای مسعده می‌تواند نشان از تعدد مسعده‌ها باشد؛ زیرا برای یک شخص همزمان چند مذهب گزارش نمی‌شود. کشی نام مسعده بن صدقه را همراه سران بتریه قرار داده.^۵ با تتبع در روایات مسعده در منابع امامی و عامه، هیچ نشانی مبنی بر بتری مذهب او یافت نشد؛ اما در برخی از منابع زیدیه روایاتی از مسعده بن زیاد در مدح و ستایش نفس زکیه آمده است^۶ که نشان از باورهای زیدی اوست. با توجه به نظر خوبی دال بر تعدد مسعده‌ها و تأکید بر بتری بودن یکی از آن‌ها، دیدگاه کشی درباره مسعده و این که اسمی از مسعده بن صدقه در منابع زیدی ذکر نشده و تنها از مسعده بن زیاد روایت شده است، به نظر می‌رسد احتمال تمیز بین مسعده بن زیاد و

۱. فرقه‌های شیعه، ص ۴۴.

۲. الملل و النحل، ص ۱۸۷.

۳. رجال الطوسی، ص ۸۶؛ الرجال ابن داود، ص ۲۴۳.

۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۱۰.

۵. همان.

۶. المصابیح، ص ۴۰۱ و ۴۰۲.

مسعده بن صدقه وجود دارد؛ بدین صورت که مسعده‌ای که بتری و یا عامی و گاه ضعیف شمرده شده است، همان مسعده بن زیاد باشد که از راویان امام باقر علیه السلام است و مسعده امامی و ثقه، مسعده بن صدقه باشد.

۳. بررسی ادله وثاقت مسعده

همان گونه که درباره اتحاد و تعدد مسعده‌ها و همچنین مذهب مسعده بن صدقه اختلاف نظراتی وجود داشت، درباره وضعیت وثاقت او نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ به طوری که برخی او را توثیق و برخی تضعیف می‌کنند. در ادامه ادله هر یک به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. ذکر نام مسعده بن صدقه در اسناد کامل الزیارات

نام «مسعده بن صدقه» در بین اسانید و روایات کتاب کامل الزیارات آمده است. خوبی به دلیل ذکر نام «مسعده بن صدقه» در کتاب کامل الزیارات و همچنین ذکر نام او در تفسیر علی بن ابراهیم، قایل به وثاقت ایشان شده، مگر این‌که قرینه‌ای بر تضعیف وارد شود که بر فرض قوت قرینه، حکم به تضعیف راوی شود.^۱

از این نظر خوبی این گونه برداشت می‌شود که شهادت ابن قولویه به وثاقت تمام راویان به شهادت‌های متعدد انحلال یافته است؛ چنان که گویا به وثاقت هر یک از راویان به صورت مجزا شهادت می‌دهد. حال اگر ضعف یک راوی به اثبات برسد، تنها منجر به ضعف آن راوی می‌شود و اعتبار سایر راویان خدشه‌دار نمی‌شود. با بررسی اسناد این کتاب، ادعای وثاقت تمام راویان در کتاب کامل الزیارات با نقض‌های فراوانی همراه است و مفاد عبارت ابن قولویه در مقدمه این کتاب تنها درباره مشایخ بی‌واسطه او قابل قبول است. با مراجعه به کامل الزیارات نیز موردی یافت نشده است که بتواند احراز کند «مسعده بن صدقه»، واسطه بین معصوم و ابن قولویه شده باشد؛ زیرا او معمولاً بدون واسطه از امام علیه السلام نقل روایت می‌کند؛ برای مثال:

حَدَّثَنِي أَبِي عليه السلام وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: ...^۲

۱. معجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۱۵۱.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۶۴؛ برای موارد بیشتر رک: همان، ص ۱۶، ۱۷۹، ۲۶۱ و ...

حضور مسعدة در اسناد کامل الزیارات به تنهایی موجب وثاقت او نمی‌شود. با این حال، این دیدگاه خوبی در کنار توثیق رجالیان متقدم چون نجاشی، قرینه خوبی در اثبات وثاقت مسعدة است تا زمانی که قرینه‌ای بر ضعف او یافت نشود.

۲-۳. وجود «مسعدة بن صدقه» در روایان تفسیر علی بن ابراهیم قمی

«مسعدة بن صدقه» از روایان تفسیر علی بن ابراهیم است. طبق مبنای کسانی که روایت این کتاب را توثیق عام نموده‌اند، می‌توان گفت که ایشان هم‌تقه است.^۱ این استدلال در توثیق مسعدة بسیار قوی و قابل توجه است. تنها یک اشکال ممکن است مطرح شود که اگر بتری و یا عامی بودن مسعدة اثبات شود، موجب خروج او از شمول توثیق مورد نظر علی بن ابراهیم است؛ زیرا علی بن ابراهیم در تفسیر خود، از عبارت «مشایخنا و ثقاتنا» استفاده کرده که معنای آن، روایان امامی و شیعه است.^۲ پاسخی که به این اشکال می‌توان داد، این است که حتی در صورت اثبات غیر امامی بودن مسعدة، باز هم وثاقت او پابرجاست؛ زیرا علی بن ابراهیم در مورد رجال سندش دو شهادت می‌دهد؛ یکی شیعه بودن اسناد رجالش و دیگری تقه بودن آن‌هاست.^۳

۳-۳. نقل هارون بن مسلم از مسعدة بن صدقه

همان گونه که قبلاً اشاره شد، با مطالعه الگوی سندی روایات مسعدة، می‌توان گفت اصلی‌ترین راوی مسعدة، هارون بن مسلم است. نجاشی با الفاظی چون «تقه» و «وجه» وثاقت هارون را اعلام می‌کند.^۴ بر این اساس، یکی از دلایل وثاقت مسعدة را می‌توان نقل هارون از او دانست؛ زیرا هارون با چنین شخصیتی راوی و مروج کتاب «مسعدة بن صدقه» بوده است. اگر هارون بن مسلم اعتماد و اعتقاد به مسعدة نداشت، مروج و راوی و ناشر کتاب او نمی‌شد.^۵

این نظر به طور مطلق، صحیح به نظر نمی‌آید؛ زیرا اولاً، نقل روایت شخص جلیل‌القدر از یک راوی همیشه به دلیل تقه دانستن ایشان نیست، بلکه نقل روایت گاهی به سبب عوامل

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۵۱.

۲. توثیقات عام و خاص، ص ۴۲.

۳. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۳۸.

۵. شرح عروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۶۴.

دیگری هم ممکن است؛ مثلاً روایات ایشان دارای اتقانی باشد که روایات اجلا برخوردار است. همچنین ممکن است هارون بن مسلم کتاب مسعدة را معتمد می‌دانسته، نه این که خود شخص مورد اعتماد ایشان بوده باشد. در کتب رجال، دیده شده است که رجالیان افرادی را تضعیف کرده، ولی به کتاب ایشان اعتماد نموده‌اند؛ مانند ابوالبختری که طوسی در الفهرست او را تضعیف کرده، اما به کتابش اعتماد می‌کند.^۱

۳-۴. نظر مجلسی اول مبنی بر وثاقت مسعدة

مجلسی اول در روضة المتقین می‌گوید:

طایفه امامیه به روایات مسعدة بن صدقه عمل کرده‌اند.^۲

اگر نظر مجلسی درست باشد، از دو جهت برای ما فایده دارد:

فایده اول. وقتی طایفه امامیه به روایات ایشان عمل کرده‌اند، معلوم می‌شود که روایاتش تمام و حجت است؛ اگر چه وثاقت «مسعدة بن صدقه» اثبات نشود. فایده دوم. وقتی طایفه امامیه به روایات ایشان عمل می‌کنند، معلوم است که او راستگو و ثقة است؛ زیرا خیلی بعید است که شخص، دروغگو باشد، ولی اتفاقاً تمام روایاتش درست باشد و همه طایفه به آن‌ها عمل کرده باشند.

نظر مجلسی که: «طایفه امامیه به اخبار مسعدة بن صدقه عمل می‌کردند»، به طور کامل درست نیست؛ زیرا بسیاری از بزرگان طایفه امامیه، مانند علامه حلی و سابقین او در مباحث فقهی خود، روایاتی را - که «مسعدة بن صدقه» در اسانید آن ذکر شده - کنار گذاشته و فرموده‌اند:

لضعف السنن لانه لم تثبت وثاقه مسعدة بن صدقه.^۳

مجلسی اول نظر دیگری دارد که می‌گوید:

مسعدة بن صدقه، ثقة است؛ زیرا تمام روایات ایشان در غایت متانت و مطابق آن چیزی است که مسلم الوثاقه‌ها نقل می‌کنند. بلکه با تتبعی که در روایات مسعدة بن صدقه کردیم، ملاحظه می‌کنیم که روایات ایشان از روایات حریر بن عبدالله سجستانی که از ثقات اصحاب است و از روایات جمیل بن درّاج، ادقّ و اتمن است؛

۱. فهرست الطوسی، ص ۲۵۶؛ جستارهای رجالی، ص ۱۹.

۲. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۲۶۶.

۳. المعتمد فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۳۷۰.

با این که جمیل از اصحاب اجماع است و این نکته، اماره بر وثاقت مسعدة بن صدقه است.^۱

شهید صدر در اعتبارسنجی سند روایتی که مسعدة در آن حضور دارد، یکی از اشکالات سندی روایت را عدم اثبات وثاقت مسعدة بن صدقه می‌داند و در پاسخ به مجلسی درباره مسعدة معتقد است که این ادعا که تمام روایات مسعدة در غایت متانت، نهایت چیزی که دلالت دارد، این است که «مسعدة بن صدقه» شخص فاضلی بوده و حرف‌های محکمی می‌زده و یا در نقل به معناها، قالب‌های خوبی انتخاب می‌کرده است. اما آیا نشان هم می‌دهد که او شخص موثقی است؛ به طوری که اگر در موردی شک داشت، حرفی نزند؟ و به تعبیر دیگر، صرف نقل سخنان محکم و متقن، با وثاقت فرق دارد. وثاقت، تحرز از کذب و تحرز از قول به غیر علم است. بنابراین، صرف این که روایات کسی متقن و محکم باشد، کاشف از این نیست که ایشان از خداوند ترس دارد. در حالی که ما باید این را اثبات کنیم.^۲

۴. بررسی ادله تضعیف مسعدة بن صدقه

در مقابل مستنداتی که بر وثاقت مسعدة ذکر شد، عده‌ای نیز قایل به ضعف بوده و برای تضعیف «مسعدة بن صدقه» ادله‌ای را بیان می‌کنند که به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۴-۱. ذکر «مسعدة بن صدقه» در قسم ثانی از کتاب علامه حلی

علامه حلی کتاب رجال خود را به دو بخش تقسیم کرده است. قسم اول کتاب را به افراد موثق اختصاص داده، اما عنوان قسم دوم کتاب ایشان چنین است: «القسم الثانی مختص بذكر الضعفاء و من ارد قوله اواقف فيه». ایشان «مسعدة بن صدقه» را در فهرست باب ثانی ذکر کرده است.^۳

این سخن که «علامه حلی، مسعدة بن صدقه را در قسم ثانی نقل نموده»، اعم از مدعاست؛ زیرا خود علامه اذعان دارد که بخش ثانی، هم شامل ضعفا و هم شامل کسانی است که «اقف فيه»؛ یعنی حالشان را نمی‌دانم. بنابراین، ممکن است «مسعدة بن صدقه» از کسانی بوده که علامه حالشان را نمی‌دانسته است و ندانستن حال، با دلیل وثاقت معارضه

۱. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۲۶۶.

۲. بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۳.

۳. خلاصة الاقوال، ص ۳۱۳.

نمی‌کند. از طرفی، با تتبع در مبانی رجالی علامه حلی می‌توان گفت که ایشان فساد مذهب را عامل ضعف راوی می‌داند و به راوی فاسد المذهب را هر چند دارای توثیق قدما باشد، اعتماد نمی‌کند؛^۱ برای مثال، راویانی همچون «عمرو بن خالد واسطی» زیدی مذهب با این‌که طوسی توثیق می‌کند،^۲ اما علامه او را در قسم دوم کتاب خود می‌آورد^۳ و یا «حنان بن سدید» واقفی در الفهرست طوسی به صراحت توثیق می‌شود،^۴ اما علامه در روایتش توقف می‌کند؛ با این توصیف ذکر نام مسعدة در قسم دوم خلاصة الاقوال به تنهایی دلیل بر جرح مسعدة نیست.

۴-۲. «ذکر مسعدة بن صدقه» در قسم ثانی از کتاب رجال ابن داود

ابن داود، «مسعدة بن صدقه» را در قسم ثانی از کتاب رجال خود با عنوان «القسم الثانی المختص بالمجروحین و المجهولین» ذکر کرده،^۵ اما این دیدگاه ابن داود به طور مطلق دلیل بر جرح مسعدة نیست؛ زیرا ابن داود گفته است که قسم ثانی از کتاب مختص به «مجروحین و مجهولین» است و ممکن است وضعیت مسعدة برای او مجهول باشد. علاوه بر این، ابن داود عبارتی در مورد «مسعدة بن صدقه» دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. ایشان «مسعدة بن صدقه» را در قسم اول ذکر کرده و سپس فرموده است:

عامی و لذلک ذکرناه فی القسم الثانی.

این عبارت نشان می‌دهد که ابن داود فساد مذهب را هم موجب ضعف می‌داند؛ در حالی که فساد مذهب، ملازمه با ضعفی که به معنای عدم حجیت روایت باشد، ندارد. دلیل بر این ادعا وجود اشخاصی مانند «عبدالله بن بکیر» در این قسم است.^۶ این در حالی است که ابن بکیر از اصحاب اجماع بوده و رجالیان متقدم در وثاقت او اتفاق نظر دارند.^۷ بنابراین، اگر ابن داود کسی را در قسم ثانی ذکر کرد، به دو دلیل نمی‌توان حکم به ضعف آن شخص نمود؛ زیرا ممکن است درج نام در قسم ثانی به علت مجهول بودن شخص و یا به علت فساد المذهب بودن آن شخص باشد.

۱. همان، ص ۴۴ و ۳۷۹ و...؛ «بررسی مبانی رجالی علامه حلی در خلاصة الاقوال»، ص ۱۱۷.

۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۷.

۳. خلاصة الاقوال، ص ۳۷۷.

۴. فهرست الطوسی، ص ۱۶۴.

۵. الرجال ابن داود، ص ۵۱۵.

۶. همان، ص ۲۵۳؛ برای موارد بیشتر رک: همان، ص ۲۳۶-۲۴۰.

۷. فهرست الطوسی، ص ۱۰۶؛ رجال النجاشی، ص ۲۲۲.

۴-۳. تضعیف «مسعدة بن صدقه» از سوی علامه مجلسی دوم در وجیزه

علامه مجلسی دوم در الوجیزه، مسعدة بن زیاد ربعی را توثیق و «مسعدة بن صدقه» را تضعیف کرده است.^۱

تضعیف مرحوم علامه مجلسی قطعاً اجتهادی است؛ چون حال ایشان هم مثل ماست. مرحوم علامه مجلسی، کتب رجالی دیگری غیر از آن چه ما در اختیار داریم، نداشته است. از این رو، خبرایشان محتمل الحس و الحدس نیست. این ادعای ایشان با ادعای پدر بزرگوارش - که او را ثقه و حتی بالاتر از روای مانند جمیل و حریم می داند - معارضه می کند؛ در حالی که این دو ادعا، دو اجتهاد مختلف، در عصر واحد است. البته بین توثیقات و تضعیفات علامه حلی و ابن داود، با توثیقات و تضعیفات علامه مجلسی فرق است؛ زیرا مطالعه زمان و امکانات موجود در عصر علامه و ابن داود نشان می دهد که عصر آن دو بزرگوار، عصری بوده که احتمال حس و حدس هنوز وجود داشته است؛ چون این دو شاگردان مرحوم محقق ابن طاووس بوده اند.

ابن طاووس دارای کتابخانه بسیار عظیمی بوده که حتی یکی از مستشرقین کتاب مفصلی به عنوان کتابخانه ی ابن طاووس نوشته است.^۲ در کتابخانه ایشان بسیاری از اصول اربعه مائة و کتب قدمای اصحاب وجود داشته است که در حال حاضر یا نامی از آن ها نیست، یا اگر نامی از آن ها هست، وجود خارجی ندارند. خود ابن طاووس کتابی به نام «سعد السعود» دارد که در این کتاب مختصری از عبارات کتاب های قدما را گلچین کرده است. این دو شاگردان ایشان بوده و به کتابخانه ایشان راه داشته اند و در نتیجه، احتمال حسیت و احتمال این که به منابعی دست یافته اند که به دست ما نرسیده، یک احتمال عقلایی است.

علامه کتاب بزرگی در رجال به نام «رجال کبیر» داشته است. خلاصه الاقوال، کتاب رجالی مختصر علامه است و خود ایشان در فهرست کتاب هایش می فرماید ما کتاب «رجال کبیر» داریم که این سخنان را در آن جا آورده ایم. البته متأسفانه آن کتاب به دست متأخرین نرسیده است. مخصوصاً اگر به متن کتاب مرحوم ابن داود مراجعه کنید، مشاهده خواهید کرد که ایشان بارها فرموده کتاب رجال الطوسی به خط خود مصنفین ممکن بوده است. لذا وقتی این ها خبری می دهند، احتمال حسیت به نحو عقلایی در آن است؛ اگر چه احتمال

۱. الوجیزة فی الرجال، ص ۱۷۸.

۲. اتان کلبرگ

حدسیت هم وجود دارد.

اما در مورد مجلسی به هیچ وجه این احتمال وجود ندارد؛ زیرا ایشان کتاب‌هایی را که در دست داشته، بیان کرده که همین کتب خمسہ رجالیه است. از این رو، اگر علامه مجلسی کسی را فراتر از کتب خمسہ رجالیه توثیق یا تضعیف نماید، اجتهادی است. لذا احتمال حسیت در مورد ایشان وجود ندارد؛ مگر این که بگوییم سینه به سینه مطالبی به او رسیده و به دست کس دیگر نرسیده، که این هم احتمال خیلی ضعیفی است.^۱

نتیجه

تمییز اشتراک بین مسعده‌ها در جهت اعتبارسنجی روایات او ضرورت دارد؛ به ویژه این که درباره وثاقت او اختلاف نظر است. تذبذب آری رجالیان درباره مسعده، اظهار نظر قطعی درباره او را دشوار می‌کند. شخصی با عنوان مسعده بن فرج در روایات یافت نشد. پس اختلاف نظر بین مسعده بن صدقه با مسعده بن زیاد و مسعده بن یسع است. با توجه به ادله مذکور از جمله اسناد الکافی، یکسان بودن محتوای روایات، مشترک بودن کنیه و انتساب قبیله‌ای، طرق انتقال کتاب‌ها، احتمال اتحاد مسعده‌ها درست ترمی نماید. در هر صورت، حتی اگر نتوان اتحاد تمام مسعده‌ها را ثابت کرد، اما به نظر می‌رسد حداقل مسعده بن یسع و مسعده بن صدقه یکی باشند که امامی بوده و دارای وثاقت است. در صورت پذیرش این نظر، حداقل ارزیابی وثاقت مسعده بن صدقه - که در کتب مهمی چون الکافی، قرب الاسناد و عیاشی بیشتر از سایر عناوین مسعده تکرار شده است - تسهیل خواهد شد. با توجه به ذکر نام مسعده بن زیاد در منابع زیدی و محتوای روایات او دال بر زیدی بودنش و این که بین رجالیان در مذهب و وثاقت مسعده‌ها اختلاف است، گمان می‌رود این اختلاف را بتوان در تمییز بین مسعده بن صدقه و مسعده بن زیاد توجیه کرد. در این صورت، با ادله‌ای که در باب وثاقت و تضعیف مسعده رفت و با در نظر گرفتن توحید مسعده صدقه و مسعده بن یسع، شاید بتوان گفت آن مسعده‌ای که در زنجیره اسناد کامل الزیارات و مشایخ علی بن ابراهیم قمی آمده و مجلسی دوم به توثیق او پرداخته، همان مسعده بن صدقه است و آن مسعده‌ای که کشی و طوسی او را بتری خوانده‌اند و برخی منابع رجالی ثانویه همچون رجال علامه حلی و ابن داود او را تضعیف کرده‌اند، همان مسعده بن زیاد است.

۱. جستارهای رجالی، ص ۲۹.

کتابنامه

- «أحسن الفوائد فی أحوال المساعِد»، محمد جواد شبیری زنجانی، تراثنا، ۱۴۱۹ق.
- اختیار معرفة الرجال، مرکز تحقیقات و مطالعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
- الانساب، عبدالکریم سمعانی، حیدرآباد: دائرة المعارف عثمانیه. ۱۳۸۲ق.
- بحوث فی شرح العروة الوثقی، سید محمد باقر شهید صدر، محقق: محمود هاشمی، قم: مجمع الشهید آیه الله الصدر العلمی، ۱۴۰۸ق.
- «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، رحیمه شمشیری و مهدی جلالی، نشریه مطالعات اسلامی، شماره ۸۰، ۱۳۸۶ش.
- «بررسی مبانی رجالی علامه حلی در خلاصه الاقوال»، علی انجم شعاع، دو فصلنامه حدیث حوزه، شماره ۶، سال ۳، بهار - تابستان ۱۳۹۲ش.
- «تأثیر زیدیه بر حدیث امامیه»، اعظم فرجامی، پایان نامه دکتری. دانشگاه قم، ۱۳۹۰ش.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، محقق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- تنقیح المقال فی علم الرجال، مامقانی، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۱۲ق.
- توثیقات عام و خاص، محمدکاظم رحمان ستایش، قم: انتشارات دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۸۷ش.
- تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- جستارهای رجالی، محمد مهدی شب زنده دار، قم: مؤسسه فقهی ذکر، ۱۳۹۸ش.
- الجرح و التعديل، ابن ابی حاتم رازی، حیدرآباد هند: دائرة المعارف العثمانیه، ۱۲۷۱ق.
- الخصال، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه حوزه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
- خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، علامه حلی، قم: نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- روضة المتقین، محمدتقی مجلسی، تهران: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان پور، ۱۴۰۶ق.

- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- الرجال، ابن داود حلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۱۷ق.
- الرجال، احمد بن محمد برقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر فقاها، ۱۴۱۵ق.
- شرح البدایه فی علم الدرايه، شهید ثانی، قم: نشر محلاتی، ۱۴۲۱ق.
- شرح عروة الوثقی، مرتضی حائری، قم: جامعه حوزه مدرسین، ۱۴۲۹ق.
- فرقه‌های شیعه، علی ربانی گلپایگانی، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمی، ۱۳۹۳ش.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، نشر فقاها، ۱۴۱۷ق.
- قاموس الرجال، محمدتقی تستری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمی، ۱۴۱۰ق.
- «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان»، پژوهش‌های رجالی، شماره اول، ۱۳۹۷.
- کتابخانه ابن طوس، اتان کلبرگ، مترجمان: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه عمومی آیه الله عظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ش.
- الکافی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الکامل فی ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۲۲ق.
- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، تحقیق: عبد الحسین امینی. نجف اشرف: دار المرتضویه، ۱۳۶۵ق.
- اللباب فی تهذیب الأنساب، ابن اثیر، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۵ق.
- موسوعة أقوال أبي الحسن الدارقطني فی رجال الحدیث و علله، جمعی از نویسندگان: محمد مهدی المسلمی - أشرف منصور عبد الرحمن - عصام عبد الهادی محمود - أحمد عبد الرزاق عید - أيمن إبراهيم الزاملی - محمود محمد خلیل، بیروت: عالم الکتب للنشر و التوزیع، ۲۰۰۱م.
- المصابیح، حسنی، احمد بن ابراهیم، بی‌جا، مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، ۱۴۲۲ق.
- مختلف الشیعه، علامه حلی، قم: جامعه مدرسین قم: ۱۴۱۳ق.
- معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، سید ابوالقاسم خویی، قم: نشر دفتر آیه الله خویی، ۱۴۰۹ق.

المعتبر فی شرح المختصر، محقق حلی، قم: انتشارات سید الشہداء علیہ السلام، ۱۴۰۷ق.
 الملل و النحل، محمد بن عبد الکریم شہرستانی، بیروت: دارالمعرفہ، ۱۴۰۴ق.
 من لا یحضرہ الفقیہ، محمد بن علی بن الحسین بن بابویہ القمّی (شیخ صدوق)، تحقیق:
 علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.
 نکاح: تقریرات درس آیۃ اللہ شبیری زنجانی، سید موسی شبیری زنجانی، تہران: مؤسسہ
 پژوهشی رأی پرداز، ۱۳۸۲-۱۳۸۳ش.
 الوجیزۃ فی الرجال، محمد باقر مجلسی، تہران: وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ق.

